

بزرگترین آهنگساز معاصر ایران



سمیه خاتونی - ابوالحسن صبا ۱۴ فروردین سال ۱۲۸۱ در خانه پدری اش واقع در خیابان ظهیرالاسلام در محله شاه آباد در تهران چشم به جهان گشود، او دومین فرزند از پنج فرزند خانواده صبا بود. پدرش، ابوالقاسم کمال السلطنه، هنر دوست، طبیب و ادیب و دوست دار موسیقی بود. سه تار را دل نشین می نواخت و اولین استاد پسرش ابوالحسن در نوازندگی سه تار بود. صبا، در جوانی به مدرسه کمال الملک رفت و نقلی را فرا گرفت. هم چنین، مهارتهایی چون سوهان کاری، نجاری، ریخته گری، معرق کاری و خاتم کاری را به دست آورد و بعداً در ساختن آلات موسیقی به کار بست. صبا از ۱۲ سالگی موسیقی را به صورت جدی شروع کرد و در دوره عمده سازهای آن دوره تسلط داشت اما ساز اصلی وی ویولن بود که آن را نزد حسین خان هنگ آفرین فرا گرفت. استاد صبا، ساز ویولن که سازی غربی بود را با کمانچه ایرانی تلفیق کرد و نوایی متفاوت با گوشه های ایرانی از آن ابداع کرد. او علاقه خاصی به سنتور داشت، و آن را نزد علی اکبر شلخی و حبیب سمعی آموخت. کمانچه را نزد حسین خان اسماعیل زاده، ضرب را نزد حاجی خان ضربی، نی را نزد اکبر خان تار را نزد استاد علی نقی وزیری و سه تار را در مکتب استاد میرزا عبدالله و غلامحسین درویش به کمال فرا گرفت. و بعدها استادان بنام ایران، این سازها را نزد ابوالحسن صبا آموختند. تدریس صبا در آلات موسیقی بسیار استادانه و ماهرانه بوده است. حسین تهرانی که خود استاد ضرب زن ایرانی بود، وقتی به نزد صبا آمد، خود را نوآموزی دید که تازه با ضرب آشنا شده است و معترف بود تا به حال چیزی از ضرب زنی به این شیوه نمی دانسته است. در واقع صبا موسیقی ایرانی را با دیگر آفرید، و در این آفرینش همه گوشه های لبپر موسیقی را اصلاح کرد. تکنیک صبا در ساز سه تار، به این شکل بود که سبک تزیینی مطالب خود را با نت های آسان شروع می کرد، و رفته رفته چنان شوری به آن می داد، که معجونی شگرف از یک موسیقی پر پیچ و تاب می شد. قطعات ساز سه تار او در عین سادگی بسیار دشوارند، طوری که آموزش آنها تنها از طریق رابطه سینه به سینه استاد و شاگردی ممکن می شد. صبا در سال ۱۳۰۶ از طرف استاد علینقی وزیری مأمور شد تا در رشت مدرسه های مخصوص موسیقی تاسیس کند. وی نیز در سال ۲ سال در رشت قیامت کرد و در آنجا ضمن تعلیم موسیقی، به روستاها و کوهپایه های شمال رفت و به جمع آوری آهنگ های محلی پرداخت و ارمغان های بی نظیری از این سفر به همراه آورد. زرد ملیجه، دیلمان، رقص چوبی قاسم آبادی، لیری مازندرانی و چند قطعه دیگر یساده گار همین دوره از زندگی اوست. صبا در کار تحقیق و پژوهش ذوق سلیم و سرشاری داشت، طوری که به دورترین نقاط مملکت از جنوبی ترین تا شمالی ترین روستاهای دور و مهجور سفر می کرد و گوشه های موسیقی ایرانی را جمع آوری می کرد. او با همین روش تحقیقت دقیق و عمیقی راجع به موسیقی ایلیاتی از شهرستان های ایران به عمل آورد. در کنار آن هر گاه شخصی با دانش موسیقی محلی، وارد تهران می شد، بدون شک صبا او را پیدا کرده و به منزل خود می برد و تمام مطالب او را نت می کرد. به همین شکل گوشه دشتی در آواز کلاسیک به شکل یک آواز مستقل درآمد. او آوازهای گیلکی و عشایر زیادی را در موسیقی اصیل ایرانی گنجانده است. قطعه های که صبا برای تمرین و مشق شاگردان خود تدارک می دید، به قدری خوب و کامل

بودند که می توانستند یک قطعه مستقل و زیبا باشند. بعد از رفتن مرحوم صبا هیچ کس این ذوق و شیوه پژوهندگی را به اندازه ایشان دنبال نکرد و ذوق و وقت را به نهایت رساند. صبا در سال ۱۳۱۱ با منتخب اسفندیاری کهوزیر که دختر عموی تیمارشویش بود ازدواج عاشقانه ای داشت، که حاصل این ازدواج، سه دختر به نام های غزاله، ژله و رکسانا بود. در سال ۱۳۱۸ که رادیو تهران تاسیس شد، صبا در رادیو به کار نوازندگی پرداخت ولی در همه حال در هنرستان موسیقی به کار تدریس و تحقیق موسیقی اشتغال داشت و در اواخر عمر نیز در منزلش کلاس موسیقی دایر کرده و علاقه مندان را تعلیم می داد. از شاگردان معروف صبا می توان از علی تجویدی، فرامرز پایور، حسین تهرانی، حسین ملک، حسن کسایی، غلامحسین بنان، محمد بهارلو، ابراهیم قنبری، رحمت الله بدیعی، مهدی خالدی، عطاء الله خرم، همایون خرم، داریوش صفوت، لطف الله مفخم بیان و نام برد. این موسیقیدان بزرگ، با شهریار از ایام جوانی دوست بود. این دوستی تا پایان عمر او دوام داشت و در زمان مرگ نیز شهریار بر بالین او حضور داشت. استاد صبا، به شدت مخالف آن بود که قطعات اصیل ایرانی با ساز غربی اجرا شود، چرا که او خود در زمان حیاتش استاد مسلم تملعی سازهای جهان بود، و علاوه بر آهنگسازی، بر کمپوزسیون کردن سازها نیز تسلط بود، و چنانچه لازم بود خود این کار را انجام می داد. ابوالحسن صبا، ۴۰ سال ساز نواخت، تعلیم داد، در ارکسترها شرکت کرد، کتاب نوشت و در تمام جریان های موسیقی ایران تأثیر مستقیم و مثبت داشت. وی در تمام رشته های موسیقی ایران و حتی سایر هنرها همچون ساختن ساز و نقاشی و ادبیات مهارت داشت و دانشنامه ای جامع از علم و عمل موسیقی ایرانی بود. استاد ابوالحسن صبا پس از سال ها کوشش و پرورش شاگردان فراوان، در ۳۰ آذر سال ۱۳۳۶ به علت ناراحتی قلبی در سن ۵۵ سالگی چشم از جهان فر بست و در قبرستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. بعد از مرگ استاد، بر طبق وصیت وی و به خاطر تجلیل و قدر دانی از این هنرمند تملعی، خلیه وی در ۲۹ آبان ۱۳۵۳، به موزه تبدیل شد و همسر ایشان به کمک فرزندان استاد، اشیاء و لوازم متعلق به او را جمع آوری و به موزه اهدا کردند. برآستی که ابوالحسن صبا بزرگترین آهنگساز معاصر ایران است. روحش شاد و یادش جاودان



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفيعی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران خیابان آیت الله مدنی کوچه خجسته منش پلاک ۵
تلفن: ۶۰۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر مهر روز

ابوالحسن صبا: ارکستر تک نفره

وقتی در بازارچه های سر پوشیده و قدیمی طهران یا می گذاری آهنگی از یک حس ایرانی در ملت زنده می شود، نوایی که طراوت روایت آن با زیر متنی از یک حزن پنهان، همراه است. نوایی که شارح تک به تک کوچه پس کوچه های قدیمی تهران در ظهیری گرم است که بسرک بازیگوشی با یک توپ پلاستیکی در آن شور انداخته، که هر بار گام هایش به زندگی پراشتیاق تر می شود. قطعات شور انگیز ابوالحسن صبا روایت گر همه قصه های ایران است، او با آهنگ های خود زندگی را برای ما روایت می کند. جادوی او در ضرب موسیقی اصالت را فرامی خواند. شاید عموم مردم ابوالحسن صبا را به نام شناسند، اما نواهای حزن انگیز و دل انگیز او در جان همه مردم ایران ریشه دارد، آهنگ او آشنا ترین صدا با وجود هر ایرانی است، آهنگ هایی که بارها شنیده ایم اما خالق اش را نمی شناسیم. سبک نوازندگی صبا در دقت، وضوح و روشنی و تمیزی آن است، طوری که در هر قطعه تک به تک نت ها و گوشه ها را می توان حس کرد، در قطعات او هر نتی باید در جای خود زده شود، و اگر غیر از این باشد، کلیت قطعه بهم می ریزد، ساختمان قطعات موسیقی صبا چنان منسجم و متحدالمرکز است که نمی شود چیزی به آن اضافه یا کم کرد. او مردی بود که به تنهایی یک ارکستر کامل بود. نگرانی او درباره آینده موسیقی ایرانی، این بود که عده ای با این ادعا که موسیقی ایرانی معمو و غم انگیز است، برای عوض کردن آن، به دنبال موسیقی ای بیرون که ریشه ایرانی نداشته باشد، با این اتفاق آسیب بزرگی به موسیقی ملی می خورد و موسیقی ایرانی به فراموشی سپرده می شود. نگرانی استاد بی دلیل نبود، همان طور که در حال حاضر جوانان ایرانی با موسیقی ای تغذیه می شوند که دیگر ایرانی نیست. او سنت اصیل موسیقی ملی را حفظ کرد، و از لحاظ اجرا و تکنیک این هنر ایرانی را پیشبرد و به تکامل رساند.



شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول



www.mci.ir